

کار آفرینی زندگی آفرینی است



گفتگو با مسلم‌خانی مدیرکل دفتر توسعه کارآفرینی و اشتغال سازمان بهزیستی

دفتر توسعه کارآفرینی و اشتغال در سازمان بهزیستی نیز بر طبق روال دیگر سازمان‌ها و وزارتخانه‌های دولتی تأسیس شده است و در واقع دستور واحدی است که وزارت کار و امور اجتماعی برای کلیه وزارتخانه‌ها صادر نموده است. تفاوت جامعه بهزیستی با دیگر سازمانها مسلماً نیاز به اقدامات بهتر و ایده‌های مبتکرانه‌ای دارد. جامعه هدف بهزیستی را انواع معلولین و مددجویان که شامل زنان بی‌سرپرست، بد سرپرست، دختران آسیب دیده، معتادان به مواد مخدر و یا افرادی که ترک اعتیاد کرده‌اند و ... تشکیل می‌دهند. همانطور که از شرایط آنها مشخص است اشتغال‌زایی برای آنان امری حیاتی به شمار می‌رود. البته در شرایط کنونی که حتی برای افرادی غیر از جامعه بهزیستی این مشکل وجود دارد پیدا شدن راهکاری برای مقابله با معضل بیکاری برای آنان مشکل به نظر می‌رسد و فرهنگ غالب جامعه که آنها را برای کار مفید نمی‌داند بسیار بر آن دامن می‌زند. البته تعریف سازمان ملل در سال گذشته از معلولین شاید در این تصورات تغییر ایجاد کند طبق این تعریف معلولیت عبارت است از میزان مشارکت اجتماعی افراد در جامعه. به این ترتیب افراد توانمندی که از توانایی‌های خود جهت شرکت در جامعه استفاده نمی‌کنند نیز جزو معلولین به حساب می‌آیند. اما در کشور ما همچنان به فردی که با نارسایی مواجه است انگ ناتوانی می‌زنند و فرصت بروز استعدادها و زندگی را از وی می‌گیرند. آمار ۹۲ درصدی بیکاری در میان نابینایان گواه این مدعا است، اگر چه دفتر کارآفرینی سازمان بهزیستی تمام تلاش خود را جهت پیدا نمودن راهکارهایی برای حل معضل بیکاری این قشر فراهم آورده است از جمله تسهیلات به کارفرمایان، پرداخت حق بیمه، آموزش‌های کارآفرینی و.... در این بین شرایط جامعه و فرهنگی مردم نیز برای پذیرفتن مددجویان که شامل زنان و دختران آسیب دیده و معتادان است، نمی‌تواند از نظر دور داشته باشد. در فرهنگ سنتی جامعه ایرانی هرگز جایی برای این‌گونه افراد به خصوص قشر زنان و دختران آسیب دیده وجود ندارد و این قشر نیازمند حمایت صد در صد دولت هستند. مسلم‌خانی دبیرکل دفتر توسعه کارآفرینی سازمان بهزیستی راهکارهایی برای حل این مشکلات دارد که در این گفتگو با آنها آشنا می‌شوید:

سازمان کارآفرینی باید در مدارس برنامه داشته باشد. باید مفهوم و ادبیات کارآفرینی را وارد حوزه‌های زندگی و جامعه کند. سازمان کارآفرینی در اغلب کشورهای پیشرفته از جمله ژاپن وجود دارد.

سازمان بهزیستی چه اقداماتی را برای افراد تحت پوشش خود در زمینه اشتغال‌زایی و کارآفرینی انجام داده است؟

سازمان با طیف وسیعی از مخاطبین روبرو است. استراتژی اصلی سازمان از سال ۸۵ به بعد در توانمندسازی جامعه هدف قرار گرفته است. در سال ۸۶ تعریف خوبی از توانمندسازی ارائه شد؛ توانمندسازی عبارت است از اکرار مددجو و معلول به جای اطعام. راهبردی این تکریم نیز کارآفرینی و اشتغال است بنابراین ما در سازمان با افرادی روبرو هستیم که کارآفرینی برای آنها ضرورت دارد. حداقل تأثیر کارآفرینی این است که به آنها یادآوری کنیم شما انسانهای توانمند و بالقوه هستید. پس ما در ابتدا به مشاوره کارآفرینی معلولین و مددجویان می‌پردازیم. دومین رسالت ما در سازمان بهزیستی ترویج کارآفرینی سازمانی است. تقریباً هر دو هفته یکبار یکی از جزوات و کتاب‌های کارآفرینی را برای همه مدیران و کارشناسان ارسال می‌کنیم تا آنها با مطالعه آنها با مفاهیم کارآفرینی آشنا شوند. علاوه بر آن همایش و کلاس آموزش و سمینارهای مختلفی را برای مدیران و کارشناسان برگزار کردیم. دو طرح دیگری که در سال جاری عملیاتی خواهند شد؛ اول طرح شناسایی مدیران کارآفرین شاغل در سازمان

دارد در صورتی که اقدامات بسیار خوبی در این ارتباط انجام شده بود. کارآفرین زمانی که به من به عنوان یک مدیر مراجعه می‌کند توقع دارد که شنونده تمام حرف‌هایش باشم. گاهی این طرح‌ها چند بُعدی است و تمام جامعه را تحت پوشش قرار می‌دهد اما نبود سازمان کارآفرینی در ایران یک چالش بزرگ است. برخورد کلیشه‌ای و سلیقه‌ای با کارآفرینی نیز از مسائل نادرست دیگر است. بر طبق مصوبه وزارت کار در سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها دفتر کارآفرینی دایر شد. بررسی‌ها نشان می‌دهد تقریباً هیچ کدام از این سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها چارت تشکیلاتی برای دفاتر کارآفرینی خود ندارند. دفتر ما نیز هنوز این چارت را ندارد و همه اقدامات بستگی به توانمندی کارمندان و ارتباط من با رئیس سازمان دارد. حتی دفتر ما نیروی انسانی و منابع مالی کافی ندارد.

با تشکیل سازمان کارآفرینی آیا نیازی به ادامه کار دفاتر کارآفرینی در سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها هست؟

سازمان کارآفرینی می‌تواند این دفاتر را به شکل جدید در قالب شعبه‌ها و نمایندگی‌ها فعال کند به گونه‌ای که تصمیم‌گیری اصلی در سازمان کارآفرینی صورت گیرد و صرفاً نمایندگان آنها نکات کارآفرینی را به وزارتخانه‌ها منتقل کنند.

بهتر نیست به جای سازمان کارآفرینی، وزارت کار همچنان متولی کارآفرینی باشد. اما در روش خود تغییر ایجاد کند؟

وزارت کار تنها به بحث اشتغال می‌پردازد در حالیکه

برخی کارشناسان ترجمه نادرست واژه کارآفرینی را مسبب این اشتباه می‌دانند. نظر شما در این ارتباط چیست؟

زمان دولت دکتر مصدق در مجلس وقت، لایحه کارآفرینی ارائه شد که در آن لایحه مفاهیم و ادبیات کارآفرینی وجود داشت و ظاهراً دکتر مصدق این مفاهیم را از فرانسه فراگرفته بودند. به جهت اینکه دو مجلس وقت با این مفهوم آشنا نبودند در چهار خط تقویت کارآفرینی، ترویج کارآفرینی و تربیت شهروند توانا را مد نظر قرار داده و تعریف نمودند. اما به جهت اینکه با روح کلمه ارتباط برقرار نکردند در حد تعریف باقی ماند. پس از آن در دوران سازندگی این کلمه در جامعه دانشگاهی مطرح شد و در برنامه سوم توسعه به طور جدی در این ارتباط به بحث پرداختند و از آن به بعد کارآفرینی در برنامه‌ریزی‌ها، سند چشم‌انداز، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها وارد شد. به عقیده من، ما در وارد کردن ادبیات روز با مشکل روبرو هستیم. به عنوان مثال بوروکراسی واژه‌ای است که بار معنایی مثبتی دارد و سلسله مراتب قدرت در آن تعریف شده است. اما در فرهنگ ما بوروکراسی یعنی کاغذ بازی اداری، دم در اتاق رئیس منتظر ماندن و... ما نتوانستیم واژگان را در داخل کشور بومی کنیم. راز اصلی عدم انتقال درست مفاهیم کارآفرینی در بومی نشدن واژه کارآفرینی است. مهمتر اینکه مدیران تخصص‌های مرتبط با کارآفرینی را ندارند. حتی در ۶ ماه گذشته معاونت کارآفرینی در وزارت کار حذف شد. این جای تأسف

از نگاه سازمان بهزیستی، کارآفرینی چه معنایی دارد؟

در سازمان بهزیستی کارآفرینی یعنی زندگی آفرینی. کارآفرینی یعنی امید آفرینی و احیای یک تفکر مرده. کارآفرینی یعنی بقای یک خانواده یعنی حفظ کرامت نفس. بنابراین تربیت شهروند توانا در بهزیستی به معنای واقعی، عینیت دارد. ما در سازمان انواع معلولین، مددجوها شامل زنان سرپرست خانوار، زنان بد سرپرست و دختران آسیب دیده، افراد معتادی که در حال ترک مواد مخدر هستند و یا اینکه کاملاً ترک کرده‌اند، مبتلایان به بیماری ایدز، سالمندان، کودکان از جمله کودکان کار و سایر افراد نیازمندی که به هر دلیلی از عهده زندگی‌شان برنیامدند روبرو هستیم. من نیز کارآفرینی را فرایند تربیت شهروند توانا می‌دانم. شهروندی که به قوانین و مقررات آشنا و خودشناس باشد. توانمندیهای بالقوه و بالفعل خود را بشناسد و آمادگی ارائه فکر و ایده جدید را داشته باشد. راهکاری برای تبدیل ایده به محصول داشته باشد و حتی در برخی مواقع آن را تجاری کند. ریسک‌پذیری، استقلال طلبی، مدیریت جمع و تحمل ابهام از دیگر خصوصیات کارآفرین است. شهروند کارآفرین مطلقاً بیکار نخواهد بود. در ادبیات، کارآفرینی را با اشتغال اشتباه گرفته‌اند. البته اشتغال هم می‌تواند یکی از خروجی‌های کارآفرینی باشد اما اینکه کارآفرینی را با اشتغال همسان و هم‌ردیف بگیریم از بار اصلی کارآفرینی فاصله خواهیم گرفت.

بهریستی است که با اجرای این طرح مدیران نسبت به واژه کارآفرینی و مفهوم کارآفرینی توجه بیشتری نشان خواهند داد و رقابت سالمی به وجود خواهد آمد. بر اساس این طرح، چک لیست‌هایی تهیه شد که ۷۵ گزینه در این چک لیستها وجود دارد مدیری که این گزینه‌ها شامل حال او شود به عنوان یک مدیر کارآفرین انتخاب خواهد شد. این طرح سالانه و بوسیله یکی از دانشگاه‌ها انجام می‌شود. مشابه این طرح را برای کارشناسان و کارمندان شاغل در سازمان بهزیستی هم داریم. برنامه دیگر ما این است که در فرم‌های ارزشیابی هر سال که از مدیران کارکنان و کارشناسان سازمان‌ها به عمل می‌آید ۵ امتیاز به فعالیت‌های کارآفرینی اختصاص یابد. اقدام دیگر تدوین سند توسعه کارآفرینی است که این سند را به صورت استانی، منطقه‌ای، کشوری تهیه کنیم. در این سند چهار عامل باید شناسایی شود. شناخت وضع موجود کارآفرینی و اشتغال در منطقه، شهر، استان و شهرستان. وضعیت اشتغال و کشوری در آن استان، پیش‌بینی وضعیت مطلوب، شناخت نقاط قوت، تبیین کارآفرینی، سال گذشته در سازمان بهزیستی حدود ۷۵۰۰ نفر به کلاس‌های آموزش کارآفرینی فرستاده شدند که این آموزش‌های ۷۲ ساعته بسیار مفید بود. این ۷۵۰۰ نفر پس از گذراندن دوره‌های کارآفرینی به انتخاب خود وارد آموزش فنی‌وحرفه‌ای شدند. پس از آن در نوشتن طرح کسب‌وکار به طور معجزه‌آسایی موفق بودند. بر طبق آمار ۹۴ درصد پرونده‌های آنها در کار گروه‌های اشتغال بدون هیچ مشکلی تصویب شد و آنها مشغول به کار شدند. همچنین در سال جاری از پایان نامه دانشجویی که مرتبط با کارآفرینی و اشتغال توانخواهان و مددجویان سازمان بهزیستی باشد حمایت می‌کنیم. این حمایت‌ها در مقطع کارشناسی ۳۵۰ هزار تومان، کارشناسی ارشد ۵۰۰ هزار تومان و دکترا ۷۵۰ هزار تومان است. امسال ۳۰ مرکز کارآفرینی و اشتغال توانخواهان و مددجویان در ۳۰ استان کشور راه‌اندازی می‌شود. که اولین مرکز، در منطقه شهرری استان تهران و به نام مرکز کوروس است. در مراکز کارآفرینی و اشتغال هدف ما این است که یک فرد کارجو در نهایت تبدیل به یک کارآفرین شود. زیرا بزرگترین مشکلی که کارآفرینان با آن روبرو هستند نداشتن مکان مناسب و سرمایه است. اما با راه‌اندازی این مراکز کارآفرینان می‌توانند کارهایشان را عملیاتی کنند. در این راستا وام‌های افراد تحت پوشش بهزیستی را بیمه می‌نمائیم تا به راحتی از بانک‌ها وام دریافت کنند. طی توافق‌نامه‌ای با وزارت تعاون قصد داریم تا تعاونی‌های کارآفرینی در سطح کشور راه‌اندازی نمائیم تا حداقل ۱۰ هزار نفر در این تعاونی‌ها عضو شوند. برگزاری نمایشگاه نیز از دیگر اقدامات ماست. قصد داریم تا بازارچه‌های فروش داخلی و نمایشگاه‌های داخلی بازارچه‌های برون مرزی را برگزار کنیم. در دو سال گذشته بیش از ۴۷ هزار نفر از مددجویان و معلولین از طریق همین برنامه‌ها وارد بازار کار شدند. یکی از اقداماتی که به تازگی در حال انجام آن هستیم راه‌اندازی ۳۰ مهدکودک کارآفرینی در ۳۰ استان کشور است. البته اولین مهدکودک کارآفرینی را مؤسسه پژوهشگران علم و فناوری شریف در تهران راه‌اندازی می‌کند. در این مهدها ۶۰ درصد از اقدامات همانند مهدکودک‌های عادی

و ۴۰ درصد دیگر مربوط به آموزش‌های کارآفرینی است. این آموزش‌ها بر سه بخش تقسیم شده اند دسته اول مربوط به کودکان، بازیهای کودکان، نمایش‌های کودکان، کارهای تیمی کودکان و آموزش‌هایی که با ادبیات کودکان در ارتباط است. دسته دوم آموزش کارآفرینی به مربیان و کارکنان مهدکودک است که در حقیقت نقش مهمی در انتقال مفاهیم کارآفرینی به بچه‌ها دارند. بخش سوم نیز آموزش کارآفرینی به والدین است زیرا بخشی از آموزش‌ها باید در منزل تمرین شوند. به عنوان مثال یکی از این آموزش‌ها آشنا سازی و تفهیم این مطلب به بچه‌هاست که پول در برابر کار تعلق می‌گیرد. در واقع ارزش پول را باید به بچه‌ها شناساند. پول می‌تواند هر چیزی به ازای کار کودکان باشد. از زمان اعلام این موضوع تقاضاهای زیادی به دفتر فرستاده شده است. در مهدکودک‌ها الزاماً باید کارگاه اشتغال و کارآفرینی وجود داشته باشد تا بچه‌ها در یک برنامه زمانی مشخص به صورت زنده با مشاغل آشنا شوند. مثلاً یک آرایشگر دعوت شود و برای بچه‌ها ابزار کار و چگونگی آن را آموزش دهد. هر ماه یکبار بچه‌ها را از نزدیک با مشاغل آشنا کنند مانند چاپخانه، کارخانه اسباب بازی، شکلات سازی و هر شغلی که برایشان جذاب است. در حال حاضر حدود ۱۱ هزار و ۷۰۰ مهدکودک در سطح کشور دایر هستند که در هیچ‌کدام از آنها مفاهیم کارآفرینی به صورت جدی پرداخته نمی‌شود. البته جزو سرفصل آنها هست اما معمولاً نادیده گرفته می‌شود. نکته جالب این است که بیش از ۳۰ سال از راه‌اندازی مهدکودک کارآفرینی در اروپا می‌گذرد.

عمده ترین مشکل در افراد تحت پوشش بهزیستی چیست؟

نرخ بیکاری معلولین ۷۵ درصد است و اساسی‌ترین و عمده‌ترین مشکل در پیدایش این رقم عدم مهارت است. البته این بحران کل کشور است. به عقیده من در کشور با بحران اشتغال مواجه نیستیم بلکه با بحران عدم مهارت روبرویم. خوشبختانه در سال ۸۶ در سه حوزه آموزش‌های موفق داشتیم؛ اول آموزش‌های کارآفرینی و توسعه مهارت‌های کسب

و ازای هر دوره آموزشی ۵۰ هزار تومان کمک هزینه پرداخت می‌شود تا به این شکل، مشکل معاش آنان حل شود. امسال نیز برای ۵۴ هزار نفر برنامه‌ریزی آموزش‌های کارآفرینی و فنی‌وحرفه‌ای داریم. نکته دیگر اینکه در سازمان بهزیستی افراد معلول و مددجویی مخترع و مبتکر نیز وجود دارند. تا به امروز ۷۷ نفر از این افراد به دفتر مراجعه کردند که برخی از آنها تا ۱۲ اختراع را به ثبت رسانیدند و اولین جشنواره تجلیل از معلولین و مددجویان مخترع، مبتکر، نویسنده، شاعر، هنرمند، طراح و نوآندیش و کارآفرین در بیست و چهارمین روز تیرماه در هفته بهزیستی برگزار می‌شود. اما در برگزاری نمایشگاه‌های برون مرزی واقعاً با مشکل مواجهیم. اغلب کارها در درجه جهانی هستند اما با مقررات دست و پاگیر وزارت بازرگانی مواجهیم. برای اولین بار نیز قصد داریم تا جشنواره کارآفرینان برتر سازمان بهزیستی را برگزار کنیم و طی آن چهره‌های مخترع و مبتکر را معرفی خواهیم کرد. باید صندوق حمایت از فرصت‌های شغلی معلولین را بر طبق قانون جامع حمایت از حقوق معلولین داشته باشیم. هنوز این صندوق ایجاد نشده در حالیکه ما آئین‌نامه و طرح را به مجلس ارائه دادیم. بر طبق همان قانون دولت مکلف است که ۳ درصد از استخدام‌ها را به افراد تحت پوشش سازمان بهزیستی اختصاص دهد که متأسفانه به دلیل اینکه مدیران ما با توانمندی‌های معلولین آشنا نیستند، قانون با موفقیت اجرا نشده است در حالیکه در آمریکا ۱۰ درصد از استخدام‌ها الزاماً مربوط به معلولین است. در سال‌های ۸۵ و ۸۶ تنها ۵۵۴ نفر از محل این قانون استخدام شدند که بسیار عدد کوچکی است. بنابراین نیاز به اطلاع رسانی بیشتر در زمینه توانمندسازی معلولین به مدیران است.

با وجود خط فقر اعلام شده به نظر شما مبلغی که از طرف سازمان به آنها بابت دوره آموزشی پرداخت می‌شود برای گذراندن یک زندگی کفایت می‌کند؟

مسلماً کافی نیست اما همین مقدار را نیز بسیار با مشکل تهیه کردیم. اصرار ما بر این است که در

در مراکز کارآفرینی و اشتغال هدف ما این است که یک فرد کارجو در نهایت تبدیل به یک کارآفرین شود. زیرا بزرگترین مشکلی که کارآفرینان با آن روبرو هستند نداشتن مکان مناسب و سرمایه است. اما با راه‌اندازی این مراکز کارآفرینان می‌توانند کارهایشان را عملیاتی کنند. در این راستا وام‌های افراد تحت پوشش بهزیستی را بیمه می‌نمائیم تا به راحتی از بانک‌ها وام دریافت کنند.

دوره‌های آموزشی فرد را به حال خود رها نکنیم. با تمام اقدامات صورت گرفته باید شرایط و بستر لازم برای کارآفرینی معلولین در کشور فراهم شود. بانک‌ها حتی به افرادی غیر از جامعه بهزیستی تسهیلات نمی‌دهند، چطور یک معلول می‌تواند با این شرایط اقدام به کارآفرینی کند؟

منظور از ترویج نیز همین است. بخشی از ترویج مربوط به اصلاح قوانین و مقررات، رفع موانع،

راه‌اندازی یک گروه همیار، راه‌اندازی یک تعاونی و است. امسال پژوهش‌ها و مطالعاتی را شروع کردیم که بیشتر جنبه ترویجی و آموزشی دارد.

به هر حال ما باید بدانیم موانع اشتغال معلولین کجاست. مطالعات میدانی در سال گذشته در تمام استانها انجام دادیم. علاوه بر آن مطالعه تطبیقی نیز انجام گرفت. در نهایت به این نتیجه رسیدیم که اصلی‌ترین عامل عدم بکارگیری معلولین در مراکز کسب و کار تفکر بی‌بهره بودن آنهاست. در برخی از موارد این موضوع درست و در اغلب مواقع نادرست بود. تصور کنید یک ناشنوا در محیطی پر سرو صدا به شدت بهره‌وری بیشتری از یک فرد سالم دارد. یک کارفرما در چنین محیطی باید پول زیادی را خرج خرید گوشی کند تا آلودگی‌های صوتی افراد را آزار ندهد. اما برای یک ناشنوا چنین مشکلی وجود ندارد و حتی موفق‌تر است. در بخش صنعت میزان اشتغال ناشنوایان بسیار بالاست و اغلب صاحبان صنایع متوجه این مزیت شدند. علاوه بر آن ناشنواها انسان‌هایی بسیار صبورند و در کارهایی که نیاز به تکرار دارد از جمله مونتاژ بسیار موفق عمل می‌کنند. در نهایت به این نتیجه رسیدیم که برای حل مشکل اشتغال سازمان باید با کارفرما مشارکت داشته باشد یعنی مشارکت طلبی دولت از مردم برای اشتغالزایی معلولین. بر این اساس ما برای اشتغال معلولین یارانه پرداخت می‌کنیم یعنی ۵۰ درصد از حقوق را بر اساس یک قرارداد ۵ ساله پرداخت می‌کند. اولین پیامد این طرح اینست که کارگر معلول در محیط کار، احساس خود کم‌بینی پیدا نمی‌کند زیرا در محیط‌های کاری به معلولین حقوق کامل نمی‌دهند. علاوه بر آن کارفرمایانی که در آخر ۵ سال قرارداد مجدد ببندند مابه‌التفاوت دستمزد ۵ سال قبل به آنها پرداخت می‌شود. به این ترتیب فرد ۱۰ سال در آن محل مشغول به کار می‌شود. پس از ۱۰ سال نیز شامل از کارافتادگی خواهد شد. بیش از دو دهه از پرداخت یارانه اشتغال در کشورهای توسعه یافته می‌گذرد. از زمان اعلام این خبر کارفرمایان استقبال زیادی کردند ضمن اینکه در طراحی این طرح کارفرمایان کمک زیادی به ما نمودند. نکته مهم این است که روش‌هایی که ما برای کارآفرینی و اشتغال معلولین استفاده می‌کنیم در سازمان‌ها بومی نشده است. همان‌طور که می‌دانید وزارت کار و اموراجتماعی نسخه واحدی برای تمام سازمان‌ها با عنوان بنگاه‌های زودبازده اقتصادی پیچیده و تحمیل کرده است که مشکل بزرگ این آئین‌نامه است. باید تبصره ای به آئین‌نامه برای بهزیستی اضافه شود. اما متأسفانه در دو سال گذشته در ارتباط با این آئین‌نامه با مشکلات زیادی روبرو بوده‌ایم. در کار گروه اشتغال و وزارت کار پرونده یک انسان سالم و توانمند با یک معلول در کنار هم سنجیده می‌شود و با تبصره و مواد بنگاه‌های زودبازده آن را می‌سنجند. در حالیکه متولی حقوق ترمیمی نباید بهزیستی باشد. یارانه اشتغال و یارانه دستمزد کارفرمایانی که معلولین را به اشتغال می‌گمارند باید قانونی شود.

وزارت کار سال گذشته اعلام کرد کلیه مشاغل که معلولین و مددجویان بهزیستی و کمیته امداد به دنبال آن هستند اشباع شده است. اولاً هیچ مطالعه‌ای در وزارت کار پیرامون وضعیت مشاغل صورت نگرفته است. اگر این مطالعات انجام شده

بود با عدم تعادل در بازار کار مواجه نبودیم. دوم اینکه اشباع شدن یا عدم اشباع یک شغل را خود شغل تعریف می‌کند. اگر اشباع شود شغل‌ها تعطیل می‌شوند. همانطوریکه گیوه بافی و قالی بافی و ... را در جامعه نمی‌بینید زیرا تقاضا برای آن وجود ندارد. پس نیاز است در کنار بنگاه‌های زودبازده کار مطالعات میدانی انجام دهند تا اگر شغلی اشباع شد با مستندات علمی آن را نشان دهند. نکته دیگر اینکه در بنگاه‌های زودبازده مشاغل کمتر از ۵ نفر نادیده گرفته شده و تنها به کارگاه‌های بزرگ پرداخته شده است. بنابراین در بنگاه‌های زودبازده بحث عظیمی از اشتغال خانگی در نظر گرفته نشده است. در واقع نگاه وزارت کار به خود اشتغالی نگاه مثبتی نبوده اگر با یک شبکه نظام‌مند اشتغال خانگی را گروه‌بندی کنند و هر گروه را تحت سرپرستی یک گروه ببرند مشکلات این قشر حل خواهد شد. حتی خانه‌داری را در کشور به عنوان یک شغل قبول نکردند در صورتیکه زنان خانه‌دار ارزش افزوده بالایی را به وجود می‌آورند. ایجاد شغل تنها به این معنا نیست که یک فردی را با لباس کار و در محیط بیرون از خانه به کار بگماریم اگر یک نفر در خانه خود نیز شغلی را راه‌اندازی کند که منجر به درآمد و فروش محصول شود شغل ایجاد شده است. اگر به این نوع اشتغال نیز توجه نشان دهیم تمایل زنان خانه‌دار به کار بیرون از منزل کمتر خواهد شد و آنها متوجه می‌شوند که در منزل نیز می‌توان مفید بود و به کسب درآمد پرداخت. مسأله دیگر آموزشگاه‌های ویژه معلولین است، زیرا آموزشگاه‌های فنی و حرفه‌ای برای معلولین مفید نیست و در آن حتی مناسب سازی محیط صورت نگرفته است. قصد داریم ۷۰ آموزشگاه ویژه معلولین توسط بخش خصوصی راه‌اندازی کنیم به این منظور به کسانی که اعلام آمادگی کنند کمک بلاعوض خواهیم کرد. همچنین به صورت تعرفه آموزشی به معلولین کمک‌هایی را خواهیم نمود.

با توجه به شرایط معلولین و آمارهای وزارت کار پیرامون مشاغل چه آموزش‌هایی مدنظر شماست؟

در رشته‌هایی که منجر به اشتغال برای معلولین می‌شود. در حدود ۲۴۴۰ رشته، معلولین و مددجویان سازمان مشغول به کار هستند که در ۱۶۰۰ رشته بسیار موفق عمل نمودند. علاوه بر آن در مشاغل جدید و مشاغلی که در آینده قطعاً بخش عظیمی را در جامعه مشغول خواهد کرد این آموزشگاه‌ها می‌توانند خدمات ارائه دهند. آموزشگاه‌های ارائه شده زیر نظر سازمان فنی و حرفه‌ای هستند. به عنوان مثال اخیراً با آموزشگاه طلا سازی قرارداد بستیم تا به معلولین آموزش دهند. طلا سازی نیاز به دست و چشم دارد و از عهده برخی افراد بهزیستی برمی‌آید. همچنین قصد داریم اولین مرکز کارآفرینی تن‌نوازان را در ایران راه‌اندازی کنیم. کلمه تن‌نوازی را به جای ماساژ استفاده کردیم. برای این مرکز نیز بخش خصوصی اعلام آمادگی کرده که در همان مرکز آموزش‌های تن‌نوازی (ماساژ) ارائه می‌شود. در این مرکز از نابینایان استفاده می‌شود زیرا دست‌های توانمندی دارند. ما نیاز به کارگاه‌های قصه‌گویی، گویندگی، تربیت فن بیان و کارگاه داستان گوئی داریم و از بخش خصوصی برای راه‌اندازی این کارگاه‌ها استقبال می‌کنیم.

با توجه به واگذاری بخش‌های دولتی به خصوصی و لزوم همکاری با این بخش شما چه تدابیری اندیشیده‌اید؟

در سال جاری از بخش خصوصی به صورت جدی در برنامه‌های کارآفرینی و اشتغال استفاده می‌کنیم. هرچند که سازمان بهزیستی بیش از ۸۰ درصد از خدمات خود را به بخش خصوصی واگذار کرده

زودبازده دریافت می‌کنیم. در حقیقت اعتباری که در سازمان بهزیستی برای مجموع این برنامه‌ها گذاشته می‌شود به ۳۰ تا ۳۵ میلیارد تومان می‌رسد. به هر حال کارآفرینی یعنی با استفاده از امکانات بیرون، به جامعه هدف امکانات ارائه دهید.

به نظر شما تمامی این طرح‌ها برای تمام طیف افراد در سازمان بهزیستی مناسب است؟

بله و حتی ساختمان بهزیستی مناسب سازی نشده است و من گاهی برای ملاقات با معلولین به طبقه همکف می‌روم. شهرداری‌ها، سینماها و ... هیچ‌کدام وجود معلولین را در نظر نگرفته‌اند.

معلولین و مددجویان تا چند سال دیگر باید منتظر اجرایی شدن این طرح‌ها باشند؟

حداقل ۳ سال و حداکثر ۵ سال. هر برنامه‌ای یک ساله تدوین شده است. در صورتی که بتوانیم بخش خصوصی را به همکاری دعوت کنیم نرخ بیکاری مددجویان و معلولین به شدت کاهش می‌یابد. در حال حاضر بیش از ۷ هزار معلول تحصیل‌کرده در

است و یا سازمان بهزیستی هم مانند وزارت کار نسخه واحدی را برای تمام افراد پیچیده است؟

برای افرادی که اعتیاد خود را ترک کرده‌اند طرح‌های خود اشتغالی مفید نیست، آنها باید از خانه جدا شده و وارد محیط‌های بیرون شوند. اما در این راه کمی با مشکل مواجهیم زیرا صاحبان کارخانه‌ها یا کارگاه‌ها این افراد را استخدام نمی‌کنند. این مشکلات در زنان و دختران آسیب‌دیده هم وجود دارد. نیاز است که کارفرماها و کارآفرینان قدری تجدید نظر کنند و بدانند کارآفرینی یک عبادت است و کارآفرینی برای یک مددجو و معلول بهزیستی عبادتی بزرگتر.

چه پیشنهادی برای جلب نظر کارفرمایان در استخدام افراد تحت پوشش بهزیستی دارید؟

ما نیاز داریم تا کارگاه‌های خود اشتغالی معلولین از پرداخت مالیات معاف شوند. همچنین کارفرمایانی که معلولین را به استخدام درمی‌آورند شامل درصدی از معافیت مالیاتی شوند. این موارد در مورد عوارض شهرداری نیز صدق می‌کند. در گمرک، کسانی که وسایل مربوط به معلولین را وارد می‌کنند از معافیت برخوردارند. چه خوب است که این معافیت شامل ابزار کار معلولین نیز بشود.

از دیگر مشکلات معلولین اینست که مناسب سازی در مکان‌های عمومی برای آنها انجام گرفته نشده و در نتیجه از بسیاری امکانات محروم هستند. در این ارتباط چه تمهیداتی اندیشیده‌اید؟

بله و حتی ساختمان بهزیستی مناسب سازی نشده است و من گاهی برای ملاقات با معلولین به طبقه همکف می‌روم. شهرداری‌ها، سینماها و ... هیچ‌کدام وجود معلولین را در نظر نگرفته‌اند.

معلولین و مددجویان تا چند سال دیگر باید منتظر اجرایی شدن این طرح‌ها باشند؟

حداقل ۳ سال و حداکثر ۵ سال. هر برنامه‌ای یک ساله تدوین شده است. در صورتی که بتوانیم بخش خصوصی را به همکاری دعوت کنیم نرخ بیکاری مددجویان و معلولین به شدت کاهش می‌یابد. در حال حاضر بیش از ۷ هزار معلول تحصیل‌کرده در

بهزیستی و خود دارد. همچنین سازمان لنج صیادی را مددجویان با کمک سازمان بهزیستی خریداری کرده که ۶۰ نفر به صورت مستقیم و ۵۰۰ نفر غیر مستقیم در آن مشغول به کار هستند. با اجرایی شدن این طرح‌ها چشم‌انداز خوبی در آینده محقق خواهد شد. هرچند نباید واقعیت‌ها را از ذهن دور کرد و تأثیرات برون مرزی مانند تغییرات بازار جهانی و قوانین تجارت جهانی را در اشتغال مورد توجه قرار نداد. تازه ترین برنامه‌ای که در حال ارائه آن هستیم لایحه قانون توسعه کارآفرینی و اشتغال معلولین و مددجویان تحت پوشش سازمان بهزیستی کشور می‌باشد که این لایحه قانونی در ۱۶ ماده آماده شده و به زودی از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌شود. اطمینان دارم با اجرای این قانون در موضوع کارآفرینی و اشتغال معلولین و مددجویان با تحول بزرگی مواجه خواهیم بود.

پیش‌نویس لایحه قانون توسعه کارآفرینی و اشتغال

معلولین و مددجویان تحت پوشش سازمان بهزیستی کشور

مقدمه:

توانمندسازی معلولین و مددجویان یکی از اصولی‌ترین استراتژی‌های سازمان بهزیستی کشور در راستای حفظ و تقویت کرامت انسانی آنان می‌باشد و بر همین اساس راهبرد توسعه کارآفرینی و اشتغال معلولین و مددجویان در برنامه‌ریزی‌های کلان این سازمان مورد توجه و عنایت ویژه قرار گرفته است. بیکاری یکی از چالش‌های اصلی فرا روی معلولین و مددجویان است که موجب انزوا و سرخوردگی آنان و عدم حضور اثرگذارشان در جامعه است. مطالعات نشان می‌دهد که نرخ بیکاری معلولین (نابینایان، ناشنوایان، معلولین جسمی - حرکتی، معلولین ضایعه نخاعی و ...) بیش از ۶۳ درصد و نرخ بیکاری مددجویان (زنان سرپرست خانوار، زنان بدسرپرست، معتادان بهبود یافته و سایر آسیب‌دیدگان اجتماعی) بیش از ۴۸ درصد است. در سال‌های اخیر که طرح حمایت از بنگاه‌های اقتصادی زودبازده و کارآفرین به اجرا درآمده است، به دلیل ناهمگونی این طرح با شرایط خاص معلولین و مددجویان، امکان بهره‌مندی گروه عظیمی از آنان از مزایای طرح فراهم نشده است که البته بخشی از مشکلات اجرایی این طرح برای معلولین و مددجویان به نظام بانکی کشور و بخش دیگر آن به آیین نامه‌ها، قوانین و مقررات اجرائی طرح مربوط می‌شود. با توجه به مطالب صدرالاشاره، سازمان بهزیستی کشور مطالعات گسترده‌ای برای آسیب‌شناسی علل و عوامل عدم توسعه کارآفرینی و اشتغال معلولین و مددجویان انجام داده است و علاوه بر مطالعات تطبیقی مربوط به سایر کشورها؛ پژوهش‌ها و مطالعات میدانی مربوطه را در حوزه بازار کار با مشارکت انجمن‌ها و تشکل‌های معلولین و مددجویان و همچنین کارفرمایان و کارآفرینان علاقه‌مند به توسعه کارآفرینی و اشتغال معلولین و مددجویان به سرانجام رسانیده است. نتایج این بررسی‌ها حاکی از آن است که توسعه کارآفرینی و اشتغال معلولین و مددجویان مستلزم وجود مجموعه‌ای از قوانین و مقررات حمایتی - هدایتی ویژه است که با اجرای آن قوانین سازمان بهزیستی بتواند نسبت به افزایش حضور اثرگذار معلولین و